



نظام مسائل و کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در اجتهاد

اردیبهشت ۱۳۹۹

شماره اثر: ۹۹/۰۱۱

نظام مسائل و کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در اجتهاد

تهیه شده در: دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی
پژوهشگاه فضای مجازی

تهیه کننده:

روح الله شمس کوشکی

(پژوهشگر دفتر مطالعات اسلامی پژوهشگاه فضای مجازی)

ناظر علمی:

رضا حاج حسینی

تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نیش خیابان ۱۶ غربی،

پلاک ۲۰، کدپستی: ۱۵۱۵۶۷۴۳۱۱ شماره تماس: ۸۶۱۲۱۰۶۱

www.csri.majaz.ir

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و
استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع است.

محتوای انتشار یافته در این اثر، الزاماً بیانگر دیدگاه مرکز ملی فضای مجازی نمی باشد.

فهرست

.....	سخن نخست	۶
.....	چکیده	۸
.....	مقدمه	۹
.....	۱. اصل حجیت یا عدم حجیت احکام مستنبط ازسوی هوش مصنوعی	۱۲
.....	۱-۱ پرسش ها و مسائلی درباره استنباطات هوش مصنوعی و حجیت احکام مستنبطه	۱۵
.....	ازسوی فناوری هوش مصنوعی	۱۵
.....	۲. کاربردهای هوش مصنوعی در فرایند اجتهاد	۲۰
.....	۲-۱ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «موضوع شناسی»	۲۲
.....	۲-۲ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «قرینه یابی» با تمرکز بر مسائل اصول	۲۴
.....	فقه	۲۴
.....	۲-۳ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «تشخیص مصالح، مفاسد و ملاکات	۲۸
.....	احکام»	۲۸
.....	۲-۴ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «ترجیح مرجحات»	۲۹
.....	۲-۵ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در «سایر مسائل مربوط به اجتهاد»	۳۰

سخن نخست

فضای مجازی زیست بومی است که همزمان با توسعه فزاینده خود، اندیشه حاکم و فرهنگ ممزوج با آن را نیز منتشر می‌کند. جریان تولید اندیشه و پویایی‌های تمدنی حاصل از فضای مجازی، بر کاربرد غلبه پیدا می‌کند و می‌تواند هویت او را متحول، متکامل یا متزلزل کند.

لکن از منظری دیگر، فضای مجازی موانع فضای واقعی را در ابلاغ جهانی پیام وحی کاهش داده و بدلیل تنوع نمادهای آن، در اشکال مختلف تصویری، پویانمایی، آواتارها و موارد مشابه از قاصریت بیان کلامی و نوشتاری کاسته و فرصت کم نظیری در تبلیغ دین و پردازش کلام وحی در تکامل ادراکی انسان‌ها فراهم کرده است.

بدیهی است در مواجهه فعالانه و فرصت محور با چنین پدیده‌ای، آنچه که اولویت پیدا می‌کند، اندیشه حاکم بر آن است. اندیشه‌ای که علاوه بروحیانی بودن، سعادت دنیا و آخرت انسان را مد نظر داشته و جزء جزء حرکت انسان را در راستای غایتی بزرگ و روحانی برنامه‌ریزی نماید. اندیشه‌ای که به فضای مجازی تعالی بخشیده و ایده‌های ناب برای تولید فضای مجازی پیشرفته، سالم و مفید داشته باشد. این اندیشه که جز در اسلام و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام قابل جستجو نیست، دقیقاً نقطه قوت و دست برتر حکومت اسلامی در ارائه فضای مجازی مطلوب به مسلمانان و مستضعفان جهان است.

مرکز ملی فضای مجازی با عنایت به اهمیت این مسئله، «دفتر مطالعات اسلامی و ارتباطات حوزوی» را که وابسته به پژوهشگاه فضای مجازی می‌باشد، در شهر مقدس قم راه‌اندازی کرده و در تلاش است تا از این طریق بتواند اندیشمندان و عالمان دینی را در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه فضای مجازی دخالت داده و زمینه را برای ورود نظام‌مند حوزه به عرصه‌های سیاست‌گذاری نظام فراهم آورد.

یکی از اقدامات دفتر مطالعات اسلامی از بدو شکل‌گیری تاکنون، تدوین گزارش‌های علمی در زمینه مطالعات اسلامی فضای مجازی است. این گزارش‌ها تلاش می‌کنند تا از یکسو، بستری برای آشنایی هرچه بیشتر فضلاء و اندیشمندان حوزوی با پدیده‌ها و اقتضائات عصر فضای مجازی و تأثیرات آن بر ساحت‌های مختلف حیات انسانی فراهم نموده و از سوی دیگر مسئولین و سیاستگذاران فضای مجازی کشور را با ابعاد دینی پدیده‌های دنیای مجازی آشنا ساخته و آن‌ها را در مسیر سیاستگذاری مبتنی بر فقه و شریعت یاری رسانند.

سید ابوالحسن فیروزآبادی

دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

چکیده

امروزه با پیشرفت‌های چشمگیر و روزافزون سطوح کاربردی فناوری «هوش مصنوعی»، سیستم‌های مجهز این فناوری، عملکردی شبیه عملکرد ذهن انسان دارند که در آینده نزدیک، این قرابت عملکردی بیش از پیش خواهد بود. فناوری یادشده در حل بسیاری از معضلات و خواسته‌های پیچیده بشر، نقش آفرینی مؤثری دارد.

در همین راستا، اندیشمندان عرصه معارف اسلامی به دنبال راهکارهایی برای استفاده از قابلیت‌های این فناوری در حل مسائل دینی هستند. مهم‌ترین سؤالی که ممکن است به ذهن پژوهشگران این حوزه خطور کند، این است که: آیا با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر فناوری‌های حوزه هوش مصنوعی در عصر کنونی، می‌توان برای این فناوری، کارکردی شبیه کارکرد ذهن فقیه در جریان فرایند استنباط معارف و احکام دین تعریف کرد؟ آیا نتایج استنباط فناوری هوش مصنوعی، حجیت شرعی خواهد داشت؟ پیش از پاسخ به این سؤال، پرسش مهم‌تر این است که: اساساً مصادیق کاربردی استفاده از این فناوری در طول فرایند اجتهاد کدام‌اند؟ ما در این پژوهش کوشیده‌ایم به طرح مسائلی حول مسئله نخست. و نه پاسخ به آن. و نیز ذکر مصادیق کاربرد هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف فرایند اجتهاد (کاربردهای کلی، موضوع‌شناسی، قرینه‌یابی و...) بپردازیم. البته به رغم دقت نظر و تلاش‌های بی‌شمارمان در تألیف این اثر، با عنایت به گستردگی موضوع آن، قطعاً نقاط ضعفی داشته‌ایم که ارائه دیدگاه‌های ارزنده اندیشمندان و صاحب‌نظران این عرصه، موجب امتنان و مهم‌تراز آن، چراغ راه ما در این مسیر نوین خواهد بود. **واژگان کلیدی:** هوش مصنوعی، اجتهاد، استنباط احکام.

مقدمه

از ادوار گذشته تاکنون، اجتهاد و استنباط احکام و معارف دین از منابع معتبر دینی، مقوله‌ای ضروری و مهم بوده که در عین حال، فرایندی بسیار دشوار و پیچیده داشته است. اصالت و حجیت داشتن احکام، لزوم استفاده از روش‌های نوین استنباط آن‌ها در چارچوب ضوابط شرع را دوچندان کرده است. تفاوت زمان صدور و بیان احکام از سوی مصادر شریعت با زمان درک و استنباط آن‌ها، لزوم کشف و صدور احکام با موضوعات جدید، فهم نوع و زاویه نگاه دین به پدیده‌های نوظهور و تغییر موضوعات گذشته در زمان حال با تغییر شرایط زمانی و مکانی، و نیز لزوم حفظ و حراست از فرهنگ و مرزهای شریعت در مقابل بدعت‌ها و انحرافات اعتقادی، از انگیزه‌های علمای اسلام برای حفظ و ادامه خط اجتهاد و فقهت در طول تاریخ بوده است.

فقه‌ها در مسیر استنباط احکام اسلامی مسائل مختلف، بیش از همه به دنبال «استفراغ وُسع» تام و تمام در احاطه به منابع شرعی و نیز دقت کافی در تحلیل ادله مستفاد از منابع برای دستیابی هرچه بیشتر به مدارک احکام و همچنین تطبیق حکم مستنبط با شرایط زمان و مکان بوده‌اند. در بیشتر مواقع، برای مجتهدان علوم دینی با توجه به بروز برخی رخدادها، سرعت کشف تکلیف و وظیفه شرعی نیز به غایت مهم بوده است.

علی‌ایّ حال، آنچه امروزه مهم به نظر می‌رسد، این است که با توجه به سرعت شگفت‌آور تولید علم و دستیابی بشر به فناوری‌های نوین، سیستم‌ها، ماشین‌ها، ربات‌ها و گجت‌های هوشمندی با «دقت»، «سرعت» و «قدرتی» بسیار بالاتر از دقت، سرعت و قدرت ذهن بشر طراحی شده‌اند که می‌توانند به جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها در حوزه استنباط و صدور احکام شرعی بپردازند؛ ماشین‌ها

و ربات‌هایی که مجهز به فناوری «هوش مصنوعی»^۱ هستند و عملکردی شبیه عملکرد هوش و ذهن انسان دارند. فناوری یادشده با دو نوع کارکرد انفعالی و فعال، می‌تواند همانند ذهن انسان به تحلیل اطلاعات پردازد و رفتاری براساس نتیجه تحلیل‌های خود بروز دهد و حکم شرعی صادر کند.

فناوری «هوش مصنوعی» در نوع اول عملکرد خود، عملکردی صرفاً «واکنش‌گرا» دارد و اتفاقات و فعل و انفعالات پیرامون خود و تقاضاهایی را که از او می‌شود، درک می‌کند و سپس با جست‌وجو در داده‌های از قبل پیش‌بینی شده، به تحلیل آن‌ها می‌پردازد و بهترین واکنش را در قبال اتفاق خارجی برمی‌گزیند، اما این فناوری در نوع دوم عملکرد خود، عملکردی «خودآگاه» دارد؛ به گونه‌ای که افزون بر قابلیت‌های نوع اول، دارای احساساتی شبیه احساسات انسان و نیز قابلیت درک احساسات و حالات دیگران است و در عین حال، این فناوری نوین می‌تواند براساس داده‌های از پیش ارائه شده به آن و درک خود از شرایط پیرامونی، فکر و ایده را طراحی و تولید کند و آن را در رفتار خود بروز دهد.

سؤال اساسی این است که: با توجه به اینکه اجتهاد مقوله‌ای از سنخ مقوله درک متن و لحاظ شرایط و احتمالات مختلف در فرایند فهم متون است و از طرفی، در حیطه دسترسی به منابع و مدارک شرعی «وسعت»، «سرعت» و «دقت» بسیار مهم است، چگونه می‌توان از فناوری یادشده و به طور خاص نوع دوم آن، که اتفاقاً امروزه در زمینه درک متون، پیشرفت‌های مهمی داشته و در آینده نیز ارتقای بسزایی خواهد داشت، در مسیر استنباط از متون دینی استفاده کرد؟

نکته اساسی‌ترین است که پیش از بررسی ایده‌ها و راهکارها برای تولید نرم‌افزار و سخت‌افزاری از جنس هوش مصنوعی به منظور استفاده از آن در مسیر اجتهاد و استنباط هرچه دقیق‌تر و واقعی‌تر از منابع شرعی که بسیار ضرورت دارد، باید زمینه‌های همکاری مستمر و تنگاتنگ کارشناسان حوزه فقه با نخبگان و مبتکران

1. Artificial intelligence.

حوزه علوم رایانه ای (مهندسی سخت افزار و نرم افزار) فراهم و نهادینه شود. لازم است در این مسیر دست کم دو ابهام اساسی روشن گردد:

۱- حجیت داشتن یا نداشتن نتایج پردازش های فناوری هوش مصنوعی در حوزه استنباط احکام و مسائل علوم مقدماتی اجتهاد؛

۲- شناخت و تعیین دستاوردها و کاربردهای پردازش و تحلیل متون، منابع و ادله شرعی از سوی هوش مصنوعی در مسائل مختلف مربوط به مقوله اجتهاد. اهمیت تعیین وضعیت دو امر پیش گفته آن است که در صورت اثبات عدم حجیت نتایج تحلیل های هوش مصنوعی و یا عدم یا قلت دستاوردها و کاربردهای آن، پرداختن به این مسئله، کاری بیهوده خواهد بود. آنچه ما در این پژوهش به دنبال آن بوده ایم، عبارت اند از: ۱. پرداخت اجمالی به اصل مسئله حجیت اجتهادات و نتایج تحلیل هوش مصنوعی و سپس ارائه گزارش از بعضی مسائل مربوط به آن؛ ۲. صرفاً ارائه گزارشی از دستاوردها و کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه استنباط احکام. امید است که نتایج این تحقیق در محافل علمی، بحث و بررسی و درباره آن استدلال شود.

۱. اصل حجیت یا عدم حجیت احکام مستنبط ازسوی هوش مصنوعی

امروزه این امکان به وضوح وجود دارد که یک ماشین مجهز به فناوری هوش مصنوعی، کارکردی شبیه مجتهد در استنباط احکام داشته باشد؛ چراکه چنین ماشینی قادر است در صورتی که داده‌های بارگذاری شده در آن، همان داده‌ها و دریافت‌های ذهن مجتهد از مجموع ادله و نصوص و قرائن بوده، روش تحلیل آن هم براساس ضوابط عقلایی و شرعی تحلیل باشد، در مسیر اجتهاد، نقش آفرینی عمده یا جزئی داشته باشد. بنابراین، هوش مصنوعی نیز می‌تواند در سه مرحله کلی که برای فرایند اجتهاد تعریف شده است، عملکردی شبیه عملکرد مجتهد داشته باشد. سه مرحله یادشده عبارت‌اند از:

(الف) تهیه عناصر مشترک: گستردگی دامنه منابع و اطلاعات داده‌شده به ماشین هوشمند و وسعت دسترسی آن به ادله، و نیز دقت و سرعت بالا در گردآوری ادله و عناصر مشترک استنباط، همگی قابلیت‌هایی است که می‌تواند هوش مصنوعی را در این مرحله یاری رساند.

(ب) تحلیل عناصر مشترک و تطبیق آن‌ها با یکدیگر.

(ج) تطبیق حکم شرعی حاصل‌شده با شرایط و اقتضائات زمان و مکان، که این تطبیق به وسیله عوامل مختلفی حاصل می‌شود؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ایجاد ارتباط میان مسائل علم فقه و اصول با مسائل سایر علوم؛

- درک نیازها و دغدغه‌های بشر در عصر جدید در جوامع اسلامی و غیراسلامی و ارائه راهکارهای اسلام برای حل آن‌ها؛
 - قدرت پیش‌بینی مسائل آینده بشر و اقتضائات و شرایط حیات انسان فردا و پیگیری راه حل برای آن‌ها از امروز؛
 - درک نیازها و اقتضائات متعدد در یک زمان و ارائه حکم و راهکارهای جداگانه برای هر یک از آن‌ها؛
 - و

امکان انجام تمام مراحل اجتهاد به وسیله هوش مصنوعی در حالی است که فرایند اجتهاد و استنباط از سوی فقیه ممکن است با اختلال‌ها و خطاهایی همراه شود که وقوع این اختلال‌ها در هوش مصنوعی، یا متصور نیست یا ضریب احتمال آن اگر صفر نباشد، بسیار کمتر از احتمال وقوع آن در ذهن فقیه است. خطاهایی از جنس خطاهای نفسانی، مانند دخالت دادن سلايق و تعلقات نفسانی یا گروهی و سیاسی در کیفیت استنباط و... که شارع برای دفع آن، عنصر اشتراط «عدالت» را در فقه تعبیه کرده است یا خطاهای نظری، مانند رجوع به ادله و تحلیل ادله با پیش فرض‌هایی غلط، عدم تسلط کافی بر مقدمات اجتهاد و... که شارع برای آن، عنصر اشتراط «اعلمیت» را در نظر گرفته است.

نکته دیگر اینکه، هوش مصنوعی افزون بر قابلیت انجام تمام فرایند اجتهاد، کارکردهای اجتهادی دیگری نیز دارد که در آینده به بخشی از آن اشاره خواهیم کرد، اما اجمالاً فرایند استنباط از سوی هوش مصنوعی، مزیت‌هایی بر اجتهادات مجتهدان دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

دقت بسیار بالا؛

سرعت تحلیل بالاتر؛

دامنه وسیع‌تر منابع (فقه‌ها برای دستیابی به ادله، عموماً به رجوع به کتب اربعه یا جوامع حدیثی فقهی، مانند وسائل الشیعه یا مستدرک و یا به ادله مستمسکه در کتب فقهی بسنده می‌کنند و عملاً از سایر ادله روایی، تاریخی و... بهره‌ای نمی‌برند)؛ امکان تحلیل ادله و نتیجه‌گیری ازسوی هوش مصنوعی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی روز و مناسبات سیاسی و زوایای حقوقی هر مسئله (که ممکن است برخی از فقه‌ها ذکاوت و قدرت چنین کاری را نداشته باشند)؛

عدم وقوع اختلاف رأی و فتوا در استنباطات هوش مصنوعی در بیشتر موارد، و عدم ابتلا به مضرات اختلاف آرا و فتاوی مجتهدان و تأثیر آن در نظم‌دهی و انسجام تکالیف شرعی. به‌ویژه تکالیف اجتماعی. و عدم وقوع مفاد قاعده اختلال نظام؛ قدرت پیش‌بینی مسائل آینده بشر با هوش مصنوعی و اقتضائات و شرایط حیات انسان فردا و نیز به دنبال یافتن راه حل بودن برای آن‌ها از اکنون (دانشمندان هم‌اکنون در پی یافتن امکانی در فناوری هوش مصنوعی هستند تا این فناوری بتواند با کنار هم قرار دادن وقایع و تحولات روز دنیا، نتایج طبیعی آن‌ها را در آینده بشرپیش‌بینی کند).

از طرف دیگر، استنباط ازسوی هوش مصنوعی ممکن است معایبی نیز داشته باشد که روند اطمینان به نتایج تحلیل‌های آن را سخت‌تر و پیچیده‌تر کند، درحالی‌که وجود این معایب در میان مجتهدان بسیار نادر است؛ معایب و نواقصی همچون: عوامل مختلف خارجی می‌توانند در هوش مصنوعی نفوذ و آن را مدیریت کنند که این مسئله، اثرپذیر بودن آن را نشان می‌دهد.

احتمال وقوع خطا در پیمایش‌ها و پردازش‌های هوشمند که می‌تواند ناشی از اختلال‌های مکانیکی یا سخت‌افزاری و نرم‌افزاری باشد و بسیاری از ما آن را بارها تجربه کرده‌ایم.

ربات‌ها و ماشین‌های هوشمند کنونی، صرفاً قدرت پردازش داده‌هایی را دارند که از قبل برای آن‌ها پیش‌بینی شده و هنوز امکان تولید فکر و طراحی ایده برای

آن‌ها فراهم نشده است؛ درحالی‌که مجتهدان قدرت تولید فکر جدید را بر مبنای اطلاعات خود دارند.

روند اطمینان به اصالت، صحت و تأم و تمام بودن منابع و داده‌های ارائه شده به هوش مصنوعی، امری بسیار مشکل است.

بنابراینچه گفته شد، دو پرسش اساسی درباره استنباط احکام ازسوی هوش مصنوعی وجود دارد: (۱) آیا نتایج پردازش‌های اجتهادگونه هوش مصنوعی، حجیت حکم شرعی استنباط شده ازسوی هوش و ذهن مجتهد را دارد؟ (۲) آیا احکام و معلومات حاصل از پردازش‌های فقهاتی یا حقوقی هوش مصنوعی، همچون احکام و نتایج تحلیل ذهن بشر، در مسائل حقوقی و فقهی نافذ است؟

این پرسش‌های اساسی درخصوص انجام فرایند اجتهاد ازسوی هوش مصنوعی، چه پاسخ مثبت داشته باشد یا منفی، سؤالات و مسائل جزئی‌تری را مطرح می‌کند که ما در این پژوهش، صرفاً به طرح آن‌ها بسنده می‌کنیم؛ چراکه پاسخ‌گویی به این مسائل، نیازمند پرداختن به مباحث اجتهادی و استدلالی است.

۱-۱ پرسش‌ها و مسائلی درباره استنباطات هوش مصنوعی و حجیت احکام مستنبطه ازسوی فناوری هوش مصنوعی

۱. آیا امکان فعلی حصول قطع به حکم مستنبط هوش مصنوعی وجود دارد؟
۲. آیا هوش مصنوعی حکمی را که به عنوان نتیجه تحلیل خود در ادله شرعی ابراز می‌کند، به عنوان نتیجه قطعی پردازش‌های خود اعلام می‌دارد یا نتیجه غیرقطعی؟ اگر قطعی است، آیا قطع هوش مصنوعی از قبیل قطع قطاع است یا

- خیر؟ با توجه به اینکه قطع قطاع از دوراه محقق می شود: یکی از طرق عادی و متعارف‌ای که معمولاً برای نوع مردم قطع نمی آورد و دیگر، از روی قدرت هوش و ذکاوت. حال باید دید قطاع بودن هوش مصنوعی از کدام دسته است؟
۳. در مقایسه نوع کارکرد عقل بشری در فرایند اجتهاد با نوع کارکرد هوش مصنوعی در این مسائل و یا به طور کلی در تحلیل داده‌ها، آیا هوش مصنوعی نیز کارکردی شبیه کارکردهای عقل فطری یا عقل ضروری یا عقل عملی دارد؟ چگونه می توان چنین کارکردی را برای آن تعریف کرد؟
۴. حدود و مرزهای اختیارات هوش مصنوعی بنابر نافذیت حکم معلوم به هوش مصنوعی چقدر است؟
۵. آیا حصول ظنّ به حکم منتج از پردازش‌های هوش مصنوعی ممکن است؟
۶. آیا ظنّ حاصل از تحلیل ادله و پردازش‌های هوش مصنوعی بر ظنّ حاصل از استفراغ وُسع شخص مجتهد ترجیح دارد؟ با توجه به گسترده‌تر بودن دامنه دسترسی هوش مصنوعی به منابع و دقت بسیار بالای آن در تحلیل ادله و قواعد و در نتیجه، اقرب بودن حکم حاصل از آن به واقع.
۷. حصول ظنّ به حکم در تحلیل‌های هوش مصنوعی چگونه است؟
۸. از آنجاکه مردم نوعاً به ظنّ حاصل از پردازش‌های هوش مصنوعی اعتماد می کنند، آیا این نوع ظنّ نیز اماره تعبّدی است؟
۹. برای حصول ظنّ به حکم مستنبط هوش مصنوعی، آیا به آگاهی از جزئیات کارکرد هوش مصنوعی در تمام مراحل فرایند اجتهاد حکم نیاز است یا صرف اعلام حکم کردن هوش مصنوعی برای افاده ظنّ کافی است؟
۱۰. آیا تعدد هوش مصنوعی برای حصول ظنّ یا قطع به حکم مستنبط به هوش مصنوعی لازم است؟
۱۱. میزان قدرت، دقت و هوشمندی ماشین‌های هوشمند در تحلیل و نتیجه‌گیری و ارتباط آن با حجیت نتایج آن چقدر است؟

۱۲. راهکارهای امتحان و اختبار از هوش مصنوعی در خصوص نحوه پردازش و تحلیل اطلاعات فقهی و اجتهادی آن چیست؟

۱۳. آیا ادله وجوب تقلید از اعلم، شامل تقلید از هوش مصنوعی هم می‌شود یا خیر؟ با تمرکز بر دلیل عقل که به موجب آن، دلیل تقلید از اعلم، حکم عقل به اقرب بودن فتوای او به واقع است.

۱۴. آیا مفهوم «اعلم» بر هوش مصنوعی هم قابل صدق است و شامل آن هم می‌شود یا خیر؟ «الاعلم: مَنْ يَكُونُ أَعْرِفَ بِالْقَوَاعِدِ وَ الْمَدَارِكِ لِلْمَسْأَلَةِ وَ أَكْثَرَ إِطْلَاعاً لِنِظَائِرِهَا وَ لِأَخْبَارِهَا وَ أَجُودَ فَهْماً لِلْأَخْبَارِ وَ الْحَاصِلِ أَنْ يَكُونُ أَجُودَ اسْتِنْبَاطاً وَ الْمَرْجِعُ فِي تَعْيِينِهِ أَهْلُ الْخِبْرَةِ وَ الْاسْتِنْبَاطِ»^۱.

۱۵. آیا اشتراط هوش مصنوعی به شروط ذکر شده برای مرجع تقلید ممکن است؟ عقل، بلوغ، ایمان، عدالت، رجولیت، حریت، حیات، طهارت مولد، داشتن اجتهاد مطلق و اعلمیّت که جز در دو مورد اخیر، تمام موارد فوق از خصایص انسانی است که تصور احراز آن در صنایعات اثباتاً امکان ندارد، ولی ملاک و مناط اشتراط این شروط در مجتهد، در هوش مصنوعی نیز وجود دارد و به راحتی احراز می‌شود.

۱۶. آیا وجود قوه قدسی و ذوق سلیم در وجود مجتهد معتبر است و اصولاً نسبت هوش مصنوعی مجتهد با این مسئله چیست؟

۱۷. با توجه به وسعت دسترسی هوش مصنوعی به اقوال و آرای فقها و قدرت تحلیل و تطبیق آن‌ها با مقتضای ادله و قواعد، نقش هوش مصنوعی در تشخیص مجتهد اعلم چیست و آیا نظر او به عنوان خبره مقبول است یا خیر؟

۱۸. رابطه و نسبت مؤلفه «استفراغ وُسع» در تعریف اجتهاد با لزوم استفاده از هوش مصنوعی در مسیر استنباط، چه در مقام استنباط حکم یا در مقام تشخیص موضوع چگونه است؟

۱. طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸.

۱۹. آیا وجوب کفایی اجتهاد بنابر قول به حجیت احکام مستنبطه ازسوی هوش مصنوعی مرتفع می‌گردد؟

۲۰. راه حل تعارض میان رأی فقیه ورأی هوش مصنوعی در یک مسئله چیست؟

۲۱. راه حل تعارض میان نتایج پردازش های اجتهادی هوش های مصنوعی متعدد چگونه است؟

۲۲. راه حل تعارض میان نتایج پردازش های اجتهادی هوش های مصنوعی در تشخیص موضوعات، چه در تشخیص موضوعات عرفی یا در تشخیص موضوعات فقهی چیست؟

۲۳. راه حل تعارض نظر کارشناسان با نظر هوش مصنوعی در تشخیص موضوعات چگونه است؟

۲۴. نقش هوش مصنوعی در کشف «مذاق شریعت» چیست؟ مذاق شریعت همان روح شریعت مستفاد از ادله احکام یا اعتقادات مبنایی و ناشی از درک ضوابط و عادات شارع در مقام جعل و انشاء حکم است که تنها با تبخّر و وسعت ارتباط مجتهد با ادله و احکام حاصل می‌شود.

۲۵. با توجه به گستردگی حیطه دسترسی ماشین های هوشمند به منابع، ادله و قدرت پیمایش بالای هوش مصنوعی، آیا می‌توان هرآنچه را هوش مصنوعی به عنوان مذاق شریعت معرفی می‌کند، پذیرفت؟ آیا اساساً کشف مذاق شریعت به وسیله ماشین های هوشمند ممکن است؟

۲۶. نبود قوه اختیار در هوش مصنوعی چه تأثیری بر صحت یا عدم صحت تقلید از آن دارد؟

۲۷. آیا تبادرات و انصرافات حاصل پردازش های هوش مصنوعی معتبر است؟

۲۸. اجماع حاصل از پردازش های هوش مصنوعی، اگر از سنخ اجماع منقول است، برای حجیت یافتن باید مشمول ادله حجیت خبر واحد شود. آیا این ادله شامل اجماع حاصل از پیمایش و پردازش هوش مصنوعی نیز می‌شود؟

۲۹. آیا عدم دستیابی به دلیل به واسطه جست وجوهای فناوری هوش مصنوعی در تحقق موضوع اصول عملیه معتبر است؟ محل جریان اصول عملیه در شکوک، از عدم احراز دلیل سرچشمه می گیرد. در بسیاری از موارد، فحص و جست وجود در منابع منحصر می شود. فحص در منابع رایج حدیثی یا در ادله ای که در کتب سایر فقها وارد شده، باعث می شود عملاً دست فقیه از بسیاری از ادله و قرائت خارج از این کتب رایج خالی بماند. دامنه وسیع حوزه دسترسی هوش مصنوعی به ادله می تواند این معضل را حل کند.

۲. کاربردهای هوش مصنوعی در فرایند اجتهاد

۳۰. تمسک به نتیجه نهایی حاصل از پردازش ادله ازسوی هوش مصنوعی به عنوان مؤید فتوای مجتهد؛
۳۱. استفاده از هوش مصنوعی در گردآوری ادله؛
۳۲. بهره بردن از هوش مصنوعی در کیفیت تحلیل ادله یا نوع نگاه به آن‌ها؛
۳۳. دسته‌بندی هوشمندانه اخبار، اقوال و قواعد در موضوعات و مسائل مختلف؛
۳۴. تشکیل خانواده‌های حدیثی در موضوعات و مسائل گوناگون؛
۳۵. تمییز خودکار اخبار صحیح از سقیم؛
۳۶. امکان ابراز میزان اعتماد به یک حدیث به صورت درصدی، براساس میزان قوّت سند یا قراین مؤید آن؛
۳۷. فشرده‌سازی و خلاصه‌سازی متون و تفصیل استدلال‌های کتب فقهی؛
۳۸. رتبه‌بندی احادیث (تقسیم احادیث به صحیح، ضعیف، موثق، حسن، مسند، مرسل و سایر اقسام رتبه‌بندی روایات)؛
۳۹. تفسیر روایت ناظر بر شرایط تاریخی زمان صدور روایت؛
۴۰. تشخیص حدیث موثق الصدور با گردآوری قراین دالّ بر صدور حدیث از معصوم به وسیله تجمیع قراین سندی و متنی؛

۴۱. امکان ایجاد تمایز میان روایات نقل به معنا و روایات نقل به لفظ و ایجاد اتحاد میان روایات به کمک تجميع قوانين؛
۴۲. كشف اصالت انتساب آرا با تطبيق رأى با مؤلفه‌هاى فكرى فرد يا تشخيص اصالت انتساب كتب مختلف به صاحبانشان با گردآوری قوانين؛
۴۳. تعيين وثاقت يا عدم وثاقت ويا ساير ویژگی‌هاى راوى بر مبنای آرای رجالیان درباره وی و براساس متن و سند روایات او؛
۴۴. امکان ابراز میزان اعتماد به راوى به صورت درصدی براساس نوع بیانات رجالیان درباره وی و براساس متن روایات او؛
۴۵. امکان بیان مداليل مختلف یک دلیل و موارد صحت تمسک به آن مداليل در مسائل مختلف؛
۴۶. امکان اقتران بین اقوال و تضارب آرای مختلف در یک مسئله؛
۴۷. امکان تحلیل موضوعات و احکام و نتیجه‌گیری براساس مؤلفه‌هاى مکاتب و مدارس مختلف اجتهادى به طور جداگانه؛
۴۸. امکان تحلیل موضوعات و احکام و نتیجه‌گیری براساس مؤلفه‌هاى اجتهادى فقهای مختلف؛
۴۹. امکان نتیجه‌گیری چند حکم متفاوت برای یک موضوع براساس حالات و شرایط مختلف آن موضوع به طور جداگانه؛
۵۰. امکان ابراز چندین حکم متفاوت برای یک موضوع براساس استعمال قواعد و ادله مختلف؛
۵۱. امکان ابراز سیر تطوّر تاریخی هر مسئله فقهی به صورت یک جا و منظم؛
۵۲. امکان بیان یک مسئله فقهی یا اصولی با روش‌ها و طرح‌هاى مختلف و زوایای ورود و خروج متعدد به مباحث.

۲-۱ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «موضوع‌شناسی»

۵۳. نقش مؤثر فناوری هوش مصنوعی در کشف عرف‌های مختلف و متفاوت؛ توضیح: کشف این عرف‌ها با قدرت ذهن و معذوریت‌هایی که انسان دارد، بسیار مشکل است و به‌طور کلی، تشخیص عرف، به‌ظاهر امری ساده به‌نظر می‌آید، ولی همیشه در ساحت مصداق‌یابی و جزئی‌نگری، جنبال‌برانگیز بوده است. در این میان، هوش مصنوعی با قدرت پیمایش بالا در انواع عرف‌ها (تشخیص عرف مسامحی از غیرمسامحی، تشخیص عرف مطرد از عرف خاص و تشخیص عرف خاص زمانی از مکانی یا صنفی) در موضوع‌شناسی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ چراکه تفاوت عرف، شرایط موضوع را در جوامع مختلف، متفاوت می‌کند و در نتیجه در کیفیت حکم اثر می‌گذارد؛ مانند تشخیص قمار بودن یا نبودن شطرنج در عرف جوامع مختلف که قطعاً از عهده یک فقیه یا یک فرد بدون دسترسی به هوش مصنوعی بر نمی‌آید.

۵۴. درک شرایط زمان، مکان و اثرگذاری آن بر تغییر موضوعات و در نتیجه تغییر حکم به واسطه هوش مصنوعی؛

توضیح: درک این مسئله از سوی بسیاری از مجتهدان به‌علت پیچیدگی، عملاً مغفول مانده است. برای نمونه، درخصوص «بیع خون» با وجود اینکه نصّ بر حرمت آن وجود دارد، فقها دایره موضوع آن را تضییق می‌کنند و آن را شامل خون در زمان حاضر نمی‌دانند؛ چراکه معتقدند بیع خون به این دلیل نهی شده است که در زمان صدور نهی، هیچ منفعت عقلایی برای خرید و فروش آن متصور نبود، اما در زمان حاضر که منافع فراوانی دارد، خرید و فروش آن، خالی از اشکال است. همچنین

برخی از فقها^۱ سن تکلیف پسران و دختران را با سن بلوغ ایشان یکی می‌دانند و استدلالشان هم این است که علت ورود سن مشخص برای مکلف شدن دختران و پسران در روایات، چیزی جز این نیست که این سنین، همان سن بلوغ نوع افراد آن زمان بوده است و امروزه با تغییر طبع انسان‌ها و تغییر سن بلوغ، سن تکلیف هم تغییر می‌کند. ایشان همین استدلال را درباره سن یائسگی نیز داشته‌اند، اما سؤال اینجاست که: چه تعداد از فقهای بزرگوار ما توانسته‌اند این‌گونه شرایط زمان را بر تغییر موضوعات لحاظ کنند؟ هوش مصنوعی می‌تواند این ضعف را جبران کند. ۵۵. رجوع به هوش مصنوعی به عنوان خبره و کارشناس برای تشخیص موضوع یا متعلق حکم؛

توضیح: این مسئله به‌ویژه در مواردی که خبره و کارشناس، تنها علم اجمالی به مسئله دارد و امکان تحصیل علم تفصیلی برای او وجود ندارد، بیشتر به چشم می‌آید؛ زیرا این امکان برای هوش مصنوعی فراهم است. مثل موردی که پزشک صرفاً با تشخیص وجود ضرر روزه‌داری برای مریض به‌طور اجمالی، خوردن روزه را برای او تجویز می‌کند؛ درحالی‌که ممکن است هوش مصنوعی بتواند به‌طور معین و مشخص، روزهایی را که روزه برای وی مضر است، تعیین کند یا با در نظر گرفتن شرایط جسمانی بیمار، برنامه مشخصی برای روزه‌های روزه‌داری او ارائه نماید.

۵۶. نقش‌آفرینی هوش مصنوعی و ماشین‌های هوشمند در شناخت تبدل موضوعات و شناخت اسباب تبدل موضوع^۲ که تشخیص آن برای مردم عادی نوعاً همراه با مشقت و دشواری است؛

۵۷. کشف عناوین ثانوی که بر موضوعات بار می‌شود؛

۱. نک: علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۲۷۲.
۲. استحاله، انقلاب، انتقال، امتزاج، استهلاک و ترکیب.

توضیح: با توجه به گستردگی حیطه داده‌ها، هوش مصنوعی می‌تواند عناوین ثانوی ای را که در مکان‌ها، عرف‌ها و در زمان‌های مختلف، حتی در آینده، ممکن است بر یک موضوع بار شود، کشف کند.

۵۸. نقش مؤثر هوش مصنوعی در کشف مرتکبات متشرعه در همه زمان‌ها و مکان‌های مختلف و نیز کشف مرتکبات عقلا در خصوص موضوعات مختلف؛
۵۹. تمایز و تشخیص مفهوم از مصداق در موضوعات به واسطه هوش مصنوعی و جلوگیری از التباس شبهات مفهومی و مصداقی با یکدیگر.

۲-۲ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «قرینه‌یابی» با تمرکز بر مسائل اصول فقه

۶۰. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی در فهم ظهورات الفاظ؛
توضیح: اصل اولی در فهم معانی الفاظ و ظهورات آن، کشف معانی مستعمله به وسیله مجموعه‌ای از قرائن حالیه و مقالیه، و منفصله و متصله به همراه معنای لغوی آن است و بعد از یأس از کشف معانی از این طریق، تمسک به اصول لفظی محل پیدا می‌کند؛ با این حال، پراکندگی این قرائن و کثرت منابع به حدی است که کشف و تجمیع قرائن، عملاً دشوار و زمان‌بر می‌شود. در نتیجه، بسیاری از فقها، عطای تجمیع قرائن را به لقایش می‌بخشند و در همان ابتدا معانی را با اصول لفظی استظهار می‌کنند. امروزه گردآوری قرائن، درک متون و کلمات از کاربردهای رایج نرم‌افزارهای هوشمند است و هوش مصنوعی با قدرت پیمایش و پردازش بالای خود می‌تواند در این باره نقش اساسی ایفا کند.

هوش مصنوعی همچنین در کشف بسیاری از مسائل دیگر مربوط به ظهورات الفاظ به وسیله قراین و با توجه به وسعت دامنه داده‌های آن، نقش آفرینی می‌کند؛ مسائلی مانند الف) کشف حقیقت شرعیه یا متشرعه بودن یک لفظ؛ ب) دلالت صیغه امر یا ظهور جمله خبریه دال بر طلب، وجوب یا مطلق طلب؛ ج) دلالت صیغه امر بر فور یا تراخی؛ د) تعیین دلالت نهی بر فساد معامله در موارد مختلف با تعیین تعلق آن به مسبب یا تسبب یا به آثار آن و یا تشخیص تحریمی یا تنزیهی بودن آن. ۶۱. قرینه‌یابی هوش مصنوعی برای کشف تحقق مقدمات حکمت در لفظ مطلق؛

۶۲. تشخیص جعل حکم از طرف شارع از باب قضایای حقیقیه یا از باب قضایای خارجیّه شخصیه در اخبار، با توجه به دسترسی گسترده هوش مصنوعی به قراین؛

۶۳. تشخیص قطع طریقی از موضوعی؛ توضیح: اصل بر طریقی بودن قطع و عدم اخذ قطع در موضوع خطاب شرعی است، مگر زمانی که دلیل بر موضوعی بودن قطع اقامه شود که در اینجا گستردگی زیاد داده‌های هوش مصنوعی می‌تواند در کشف دلیل، راهگشا باشد. ۶۴. تشخیص قیود احترازیه از غیر احترازیه و قیود غیر احترازیه توضیحی از غالبی؛ توضیح: اصل بر احترازی بودن قیود است، مگر زمانی که قرینه‌ای دال بر غیر احترازی بودن قید اقامه شود که در اینجا وسعت دامنه منابع هوش مصنوعی می‌تواند راهگشا باشد.

۶۵. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای تشخیص و تمایز اطلاق افرادی، احوالی، زمانی، شمولی و بدلی از یکدیگر؛

۶۶. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی در درک معانی مفهومی؛ برای نمونه، در تشخیص «مفهوم اولویت» که موارد اشتباه فقها در تشخیص این مفهوم کم نیست و سه شرط برای تمسک به آن در مسائل فقهی بیان شده

است: الف) وجود ملازمه عقلی میان شرط و جزا؛ ب) ترتب جزا بر شرط؛ ج) انتفاع حکم به انتفاع شرط. در این میان، گاه فهم اقوی بودن مناط مقیس با مقیس الیه دشوار می‌شود که در اینجا هوش مصنوعی با قرینه‌یابی‌های سریع و گسترده خود می‌تواند نقش‌آفرینی کند.

۶۷. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای تشخیص قرار داشتن شارع در خطابات خود در مقام اجمال یا مقام بیان تفصیلی (امری که جز با کشف قرائن حالیه و مقالیه ممکن نیست)؛

۶۸. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای تشخیص قدر متیقن خارجی که وجود آن مانع تمسک به اطلاق نیست (برخلاف قدر متیقن در مقام تخاطب که وجود آن مانع تمسک به اطلاق است)؛

۶۹. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای درک مناسبات میان حکم و موضوع؛

توضیح: گاه مناسبات خاصی میان حکم و موضوع برقرار می‌شود که موجب تعمیم یا تخصیص دایره شمول حکم یا موضوع می‌گردد. مهم‌ترین راه کشف این مناسبات، قرائن عرفی و شرعی است.

۷۰. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی در مسیر استدلال به فعل معصوم؛ توضیح: تمسک به فعل یا تقریر معصوم، افزون بر صحت استناد آن فعل به معصوم، بردو امر متوقف است: الف) معصوم در انجام آن فعل در مقام تعلیم نکته‌ای باشد. ب) ویژگی معصوم بودن وی مأخوذ در کیفیت حکم نباشد. تحقق هردو این شروط را قرائن مشخص می‌کند.

۷۱. قرینه‌یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای فحص از مخصص پیش از تمسک به عام؛

توضیح: تمسک به عام قبل از فحص از مخصص در جایی که مخصص ظنی الحصول است، بنابر نظر همه اصولیون جایز نیست. قطعاً با وجود سرعت،

دقت و دسترسی گسترده هوش مصنوعی به منابع، می توان گفت استفراغ وُسع در این زمینه بدون رجوع به داده های هوش مصنوعی محقق نمی شود.

۷۲. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای انحلال حکمی علم اجمالی؛ توضیح: محدود شدن حیطه علم اجمالی و خروج برخی از اطراف آن تنها با اقامه اماره شرعی ممکن است و تلاش برای کشف اماره بدون استفاده از هوش مصنوعی، امری تام و تمام نخواهد بود.

۷۳. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی در انقلاب نسبت میان متعارضین (که می تواند با کشف قرینه ای بر تخصیص یا تقیید احد المتعارضین، تعارض را رفع کند)؛

۷۴. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی در تعمیم یا تخصیص مورد روایت؛

۷۵. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی در ایجاد تمایز میان عرف و عادت؛

۷۶. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای کشف معاصرت سیره با زمان معصوم؛

۷۷. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای کشف اتصال یا عدم اتصال تاریخی سیره متشرعه با زمان معصوم؛

توضیح: سیره متشرعه در صورتی حجت است که اولاً، معاصر با زمان معصوم بوده و به تأیید قولی یا فعلی وی رسیده باشد و ثانیاً، تا زمان احتجاج به آن استمرار داشته باشد، و این کشف جز با دلالت قراین حاصل نمی شود.

۲-۳ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «تشخیص مصالح، مفاسد و ملاکات احکام»

۷۸. نقش مؤثر هوش مصنوعی در کشف «مقاصد الشریعه»؛

توضیح: مقاصد الشریعه، اغراض و غایت‌هایی است که شارع به خاطر آن‌ها احکام را جعل کرده است. وسعت پیمایش و پردازش هوش مصنوعی در منابع، می‌تواند بسیاری از مقاصد ناشناخته احکام، چه مقاصد قطعی، حاجتیه یا تحسینی را برای ما روشن سازد.

۷۹. امکان کشف ملاکات احکام از سوی هوش مصنوعی با روش سبرو تقسیم؛ توضیح: کشف ملاکات احکام با روش سبرو تقسیم، یکی از کارهایی است که هوش مصنوعی با دقت زیاد می‌تواند از پس آن برآید. آنچه اعمال این روش را به‌رغم مقبول بودن نزد اصولیان برای کشف ملاکات نزد مجتهدان طاقت‌فرسا نشان می‌دهد، لزوم احاطه عمیق و بسیار گسترده بر منابع در اعمال این روش است تا بتوان تمام فروض و وجوهی را که می‌توان برای علت قرار دادن برای حکم متصور شد، در نظر گرفت، آن‌ها را با یکدیگر سنجید و سپس شایسته‌ترین را انتخاب کرد.

۸۰. تشخیص مصلحت اقوی در زمان تحقق تراحم از سوی هوش مصنوعی؛ توضیح: تشخیص مصلحت در این زمان منوط به درک ملاک احکام و میزان مطلوبیت احکام نزد شارع است. در برخی موارد تشخیص مصلحت آسان به نظر می‌رسد، اما در مواقعی دیگر، امری به شدت دشوار است؛ مانند تراحم ملاکی یا تراحم استصحابین که سرعت و دقت هوش مصنوعی در اینجا راهگشاست.

۸۱. نقش هوش مصنوعی در تشخیص مصلحت مهم‌تر هنگام تراحم دو ضد عبادی؛

۸۲. کشف ملاک اتحاد و تعدد حکم و انحلال و عدم انحلال حکم ازسوی هوش مصنوعی؛
۸۳. نقش مؤثرهوش مصنوعی در تمایز بمیان مصالح قطعی و مصالح مرسله با پیمایش گسترده و سریع در نصوص؛
۸۴. نقش مؤثرهوش مصنوعی در تمایز میان مصالح و مفسد احکام و منافع و مضار آن‌ها با وسعت دامنه دسترسی آن به متون و ادله؛
۸۵. قدرت هوش مصنوعی برای اعمال تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت (این دوراهکارهایی هستند که فقها از آن‌ها برای تسری حکم یک موضوع به موضوع دیگر استفاده می‌کنند. ضابطه امکان یا عدم امکان تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت در مسائل مختلف، کشف ملاکات احکام به واسطه قراین است).

۲-۴ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در زمینه «ترجیح مرجحات»

۸۶. نقش آفرینی هوش مصنوعی در حل تعارضات بدوی؛
۸۷. نقش آفرینی هوش مصنوعی در کشف مرجحات باب تعارض، مانند احدثیت روایت، اضبطیت راوی و یا کشف مخالفت با عامه و موافقت با کتاب و شهرت؛
۸۸. نقش آفرینی هوش مصنوعی در کشف مرجحات باب تراحم، مانند فوریت وجوب احدثالمتزاحمین در قبال موسّع بودن دیگری؛
۸۹. قرینه یابی گسترده و سریع هوش مصنوعی برای ایجاد جمع عرفی میان ادله متعارض که به چند صورت اتفاق می‌افتد: ۱) کشف قرینه عرفی برای جمع؛

- ۲) کشف قرینه قدر متیقن خارجی برای جمع؛ ۳) کشف اولویت هر دلیل بر دیگری از باب حکومت و ورود؛ ۴) کشف نص و در نتیجه تقدیم ظاهر بر نص؛ ۵) کشف اظهر و در نتیجه تقدیم آن بر ظاهر؛ ۶) کشف خاص و تقدیم آن بر عام.

۲-۵ کاربردهای فناوری هوش مصنوعی در «سایر مسائل مربوط به اجتهاد»

۹۰. امکان بیان شهرت محقق در یک مسئله ازسوی هوش مصنوعی با ضریب و درصد عددی متناسب با تعداد فتاوی داخل در شهرت؛
۹۱. امکان بیان تحقق اجماع در یک مسئله ازسوی هوش مصنوعی با ابراز درصد کاربرد واژه‌های مفید معنای اجماع در کلمات فقها، واژه‌هایی همچون «عدم الخلاف»، «تسالم» و «الاتفاق علیه»؛
۹۲. قدرت و دقت هوش مصنوعی در کشف اجماعات مرکب در مسائل مختلف با توجه به وسعت دسترسی آن به منابع فقهی؛
۹۳. کشف مباحث زاید و کم‌ثمره و یا کشف میزان و درصد دستاوردهای مباحث اصولی در فقه و قدرت بیان ثمرات مباحث اصولی در فقه؛
۹۴. فناوری «منطق فازی» هوش مصنوعی و امکان نقش آفرینی مؤثر و فراوان آن در کشف حکم؛
۹۵. راهکارهای به کارگیری فناوری «وب معنایی» در یکسان سازی و شبکه سازی متون شرعی؛
۹۶. «شبکه‌های بیزی» و کاربرد آن‌ها در کشف محتمل و ظهورات الفاظ؛
۹۷. راهکارهای به کارگیری روش‌های «زبان‌شناسی رایانشی» در استنباط از متون شرعی.